

خانواده

از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام

مرضیه نصرتی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، گروه معارف و قرآن و عترت

چکیده

خانواده که کانون رشد و تکامل انسان است، باید با توجه به اهداف مقدسش بنا شود. حضرت زهرا علیها السلام که الگوی برجسته یک زن و مادر موفق است، خانواده‌ای را سالم می‌داند که پایه‌های آن را عبودیت، عدالت، ایثار، محبت، سازگاری، شناخت نقش‌ها، تشریک مساعی و جلب رضایت همسر همراه با تربیت فرزندان با رویکردی خدامحورانه، تشکیل دهد. آن حضرت به نقش مؤثر زن در خانه اشاره دارد و حجاب را ارزش و موجب حفظ بقای خانواده می‌داند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، عدالت، تربیت.

مقدمه

رکود و صعود جوامع مبتنی بر ثبات و پایداری جامعه کوچک یعنی خانواده است و هرچه برای این نهاد مقدس سرمایه‌گذاری شود خروجی آن که مواد اولیه اجتماع می‌باشد، مطلوب، سالم و سازنده خواهد بود. به همین دلیل، در آیین نجات‌بخش اسلام جایگاه خانواده از اهمیت خاصی برخوردار و تمامی برنامه‌ریزی‌های دین با این نهاد تنظیم شده است. از این‌رو، اگر پدر و مادر و فرزندان در جایگاه اصلی خودشان قرار گیرند؛ یعنی پدر در موضع اقتدار، و مادر کانون عاطفه باشد و فرزندان احترام و اطاعت والدین را حفظ نمایند، حرکت به سمت سعادت و تکامل با سرعت انجام می‌شود.

در جوامعی که اولویت اول مادر، حضور در اجتماع، استقلال مالی و رقابت با مرد می‌باشد یا پدر در موضع ضعف و یا فرزندسالاری حاکم است، این نهاد متزلزل بوده و جامعه بزرگ را نیز به شدت به مخاطره می‌اندازد. اندیشمندان ما باید همواره مراقب امواج فکری مخرب مانند فمینیسم، دفاع از حقوق زن، آزادی زنان و... - که شاید عده‌ای به نیت نجات بشریت، پایه‌های خانواده را سست می‌کنند - باشند و نقش روشنگری خویش را در جهت شبهه‌زدایی پررنگ‌تر نمایند.

از آن‌رو که همیشه مکتب نورانی و جان‌بخش اسلام فضاهای تیره و ظلمانی را روشن نموده و غبار ابهام را از اذهان زدوده است و سخنان گهربار معصومان علیهم‌السلام گره از کار باز کرده و بشریت را از سرگردانی در دریای جهالت رهانیده‌اند، دستمان را به سوی مظهر عصمت و طهارت، بانوی دو عالم صدیقه کبری علیها‌السلام دراز می‌کنیم تا از دریای بی‌کران علم و حکمت این عصاره نبوت و گنجینه وحی قطره‌ای بنوشیم. از این‌رو، یک خانواده ایدئال را که بیت فاطمه زهرا علیها‌السلام باشد، مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از رهنمودهای آن بانوی بزرگ در جهت بهبود این نهاد ارزشمند استفاده نماییم.

در این مقاله، به بررسی شیوه‌های تربیتی حضرت زهرا علیها‌السلام، نحوه برخورد ایشان با

همسر و فرزندان، قناعت و تشریک مساعی ایشان در مسائل اقتصادی، عبادت و جایگاه آن در خانواده، حضور زن در اجتماع، حجاب و مسائل دیگر تأثیرگذار در خانواده، پرداخته‌ایم.

امید آنکه مورد رضایت قطب عالم امکان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد و خانواده‌های محترم بتوانند از آن استفاده نمایند؛ چراکه «ان الله عزّ و جلّ لیغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاهما» (فیروزآبادی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۵۵)

خانواده و جایگاه آن در اسلام

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماع و از نظر قرآن، دارای یک بافت طبیعی است؛ بافتی که حداقل یک زن و یک مرد اولین هسته آن را تشکیل داده و با پیمانی قرین هم گشته‌اند. قطعاً کارکردهای خانواده متعدد و قابل توجه هستند. ایجاد امنیت روانی و آرامش روحی، ابقای نسل پاک، تأمین غریزه، جامعه‌پذیری و... مهم‌ترین ثمرات تشکیل خانواده هستند. با تمام تأثیراتی که تحولات جهان صنعتی بر خانواده داشته، هنوز هم خانواده مشروع گزینه‌ای است که مردان و زنان در سراسر دنیا آن را انتخاب می‌کنند. البته ما در دنیای صنعتی با اشکال مختلفی از خانواده روبه‌رو هستیم. به هر تقدیر، در تمام ادیان آسمانی خانواده از قداست برخوردار است و در عین حال، کشورهای توسعه‌یافته و یا رو به توسعه در معرض خطرند. بر این اساس است که باید به آن دسته از معاهداتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، نهاد خانواده را مورد تعرض قرار می‌دهند توجه بیشتر داشت و در مقابل، حتی باید به ائتلافی وسیع، بخصوص از جامعه مسیحت کاتولیک و مسلمان اندیشید که بتواند جلوی هجوم امواج توفنده علیه این نهاد مقدس را بگیرد. (علاسوند و انصاری، ۱۳۸۳، ص ۶۲)

از نظر قرآن، خانواده یک ضرورت اجتماعی، روانی، غریزی، اقتصادی، عاطفی و تربیتی است و بر اصول زیر استوار می‌باشد:

۱. مساوات: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم: ۲۱)؛
 ۲. آرامش: «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱)؛
 ۳. مودت: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً» (روم: ۲۱)؛
 ۴. مهربانی: «وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛
 ۵. خوش رفتاری: «وَعَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۵۹)؛
 ۶. عدالت: «وَلَا تُمْسِكُوهُمْ ضِرَارًا لِيَتَّعِدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (بقره: ۲۳۱)؛
 ۷. میثاق الهی: «وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۰)؛
 ۸. تقوا: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ.» (حجرات: ۱۳)
- از دیدگاه اسلام، تشکیل خانواده یک تکلیف دینی است؛ جلوه‌ای از تعبد، موجد تحول و رشد و تکامل، و سبب شکوفایی، خانواده، عواطف و غریزه را ساکت می‌کند، اضطراب را می‌زداید و اعصاب را آرامش می‌بخشد و از فسادها و جنایات و نابسامانی‌های روحی پیش‌گیری می‌کند. (رضایی، ۱۳۸۸، ص ۴)
- زهرای مرضیه علیها السلام که آینه تمام‌عیار ذات اقدس الهی و مصداق بارز آیات قرآن می‌باشد، در طول عمر کوتاهش خانواده‌ای ایدئال و مرضی خداوند را به تصویر کشید و اسوه‌ای غنی برای بشریت شد، تا جایی که خداوند رضایش را در رضای او قرار داده است. از حیات و ممات خویش جز خدا، اراده نفرمود: «احتی تنی ما عملت الحیاه خیراً لی و توفنی اذا کانت خیراً لی اللهم انی اسألك کلمة الاخلاص» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۹۱، ص ۲۲۵) خداوند مادامی که می‌دانی در زندگی من خیری است، مرا زنده بدار و آن زمان که مرگ برای من بهتر است، مرا بمیران. خدای من، من از تو کلمه اخلاص را مسئلت دارم.
- محبت او به همسرش مقدم بر محبت خدا نبود. در مناجاتش می‌فرماید: «یا رب لیست من احد غیرک تتلج بها صدري و تسر بها نفسی و تقر بها عینی»؛ خداوند، هیچ احدی بجز تو سینه‌ام را فراخ و قلبم را مسرور و شادمان نمی‌کند و هیچ چیز جز تو چشم مرا روشنی نمی‌دهد. (قیومی، ۱۳۷۴، ص ۴۷)

تقاضای او با رضایت خدا تنظیم می‌شد؛ مانند تقاضای خادم از پیامبر صلی الله علیه و آله که با پیشنهاد ذکر از ناحیه پدر پذیرفتند و فرمودند: «رضیت عن الله و رسوله رضیت عن الله و رسوله رضیت الله رسوله.» (شیخ بهایی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۹)

انتخاب همسر و همسر داری

در زندگی مشترک حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، رضایت زوجین به اصل ازدواج، رضایت خانواده از ازدواج، عدم توجه به ارزش‌های دروغین و ظاهری و توجه به حقایق عالم هستی، موجب استحکام ازدواج آنان شده بود. وقتی زنان قریش در رابطه با انتخاب حضرت علی علیه السلام، به حضرت زهرا علیها السلام طعنه می‌زدند، ایشان سر بر آسمان بالا بردند و با لبخند فرمودند: «رضیت بما رضی الله و رسوله» (شیخ الاسلامی، [بی‌تا]، ص ۲۷۳)؛ به آنچه خدا و رسولش راضی هستند، راضی هستم.

این بانوی بزرگ آنچنان تسلیم اوامر الهی بودند و به وظایف خویش واقف، که مولی علی علیه السلام فرمودند: «به خدا قسم! من هرگز فاطمه را خشمگین نکردم و در هیچ کاری موجب ناراحتی او نشدم تا اینکه خداوند او را از این دنیا برد و او هم مرا به خشم نیاورد و در هیچ کاری با من مخالفت نکرد.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۳۴) همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «و لقد كنت انظر اليها فتكشف عني الغموم و الاحزان»؛ وقتی به فاطمه نگاه می‌کردم همه غصه‌هایم برطرف می‌شد. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

حضرت زهرا علیها السلام همسری فداکار برای مولا علی علیه السلام بودند و هرگز از ایشان چیزی را مطالبه ننمودند. روزی حضرت علی علیه السلام از همسرش گلایه کرد که چرا از رنج گرسنگی و بی‌طعام ماندن خانه، وی را با خبر نکرده است. آن بانو در جواب فرمود که علی جان من از تو شرم می‌کنم، بلکه فرمود: «یا انی لاستحیی من الله ان اكلف نفسک ما لا تقدر علیه» (شیخ الاسلامی، [بی‌تا]، ص ۲۷۳)؛ ای ابالحسن! من از خدای خود شرم می‌کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نیستی.

توصیه حضرت زهرا علیها السلام در رابطه با همسررداری، در حدیثی از ایشان آمده که از پیامبر نقل نموده‌اند: «بهترین شما کسانی هستند که همسرانشان را اکرام می‌کنند.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۳۹۰)

حرکات و سکناات آن حضرت معنایی خاص داشت: عبودیت و عشق‌ورزی به حقیقت هستی. حتی احترام ایشان به فرزند، جز احترام به خالق نبود. هم‌جهت بودن همه ابعاد وجودی انسان باعث رشد شخصیت و متعالی شدن آن می‌شود.

خانه‌داری

حضرت زهرا علیها السلام با دیدگاه توحیدی که داشت، به رمز و راز کدبانوگری احاطه یافت و در این رابطه فرمود: «الحمد لله الذی لم یجعلنی متحیر فی اموری.» (قیومی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲) ایشان در امور خانه بسیار سخت‌کوش بودند. برنامه‌ریزی دقیق، نظافت و آراستن خانه و سعی در ایجاد محیطی آرام و از همه مهم‌تر، قانع بودن ایشان در امور زندگی به گونه‌ای که در ابتدای زندگی در منزل یکی از اصحاب مکانی اجاره نمودند، نشانه توجه آن حضرت به امور خانه می‌باشد.

بردباری و تحمل فقر و مشکلات خانوادگی، و رعایت حق خدمتکار. از اصولی بود که ایشان در امور خانه‌داری به آن توجه داشت.

ساده زیستی

در حدیثی، از ساده‌زیستی بانوی بزرگ اسلام آمده است: «دخلت فاطمه علیها السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و قالت: یا رسول الله ان سلمان تعجب من لباسی فوالذی بعثک بالحق نبیاً مالی و لعلی منذ خمس سنین الا مسک کبش نعلف علیه بالنهار بغیرنا فاذا کان اللیل افترشناه وان مرفقتنا لمن ادم حشوها لیف النخل» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۳۶۳): روزی فاطمه علیها السلام به محضر پیامبر آمد و گفت: یا رسول الله، سلمان از لباس ساده من تعجب

می‌کند. قسم به خدایی که تو را به پیامبری برانگیخته است، مدت پنج سال است که زیرانداز شبانه من و علی پوست گوسفندی است که روزها علوفه شترمان را بر روی آن می‌ریزیم، و بالش ما نیز قطعه‌ای است که درون آن از لیف درخت خرماست. اگر امروزه ازدواج‌های ما از تجملات و ظواهر سنگین و چشم و همچشمی‌ها به دور بود، شاید سن ازدواج بالا نمی‌رفت و جامعه درگیر بعضی مشکلات و معضلات اجتماعی نمی‌گشت.

فرمان‌پذیری از همسر

حضرت زهرا علیها السلام در اواخر عمر در بستر بیماری بودند که ابوبکر و عمر برای عیادت ایشان اجازه خواستند، اما با جواب منفی او روبه‌رو شدند. عمر و ابوبکر نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدند و از او تقاضا نمودند که فاطمه علیها السلام را راضی نمایند. حضرت علی علیه السلام نزد فاطمه زهرا علیها السلام رفتند و فرمودند: عمر و ابوبکر چندین بار آمده‌اند و شما آنان را رد کردید، حال از من خواسته‌اند که برای آنان اجازه ملاقات بگیرم. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: به خدا قسم، اجازه نمی‌دهم، و حتی یک کلمه هم با آنان سخن نخواهم گفت تا دنیا را ترک گویم و پدرم را ملاقات کنم و شکایت آنها را نزد او برم که با من چه کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من ضامن آنها هستم تا به خانه وارد شوند. حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: اگر ضامن آنها می‌شوی، خانه، خانه توست و زنان از مردان تبعیت می‌کنند و من هم با تو مخالفتی نخواهم کرد؛ هر کس را می‌خواهی اجازه ده تا وارد شود. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۰۲-۲۰۴)

ایجاد روحیه عبادت و معنوی نمودن فضای خانه

تبدیل خانه به مدرسه و تبدیل بخشی از خانه به مسجد و عبادتگاه، آموزش قرآن و اخلاق به خدمتکار، تبدیل خانه به سنگر جهاد و مبارزه بر علیه ستمگران و دفاع از ولایت، و دعا در حق همسایه از برنامه‌های فاطمه زهرا علیها السلام بود. (نیلی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۳۷)

وقتی پیامبر ﷺ در صبح اولین روز زندگی مشترک آنها از علی ﷺ پرسید: همسر خود را چگونه یافتی؟ عرض کرد: «نعم العون فی طاعة الله»؛ چه خوب یاوری بر اطاعت خداست. و هنگامی که از دخترش فاطمه ﷺ پرسید، در جواب گفت: «خیر البعل»؛ بهترین شوهر است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۱۷)

روحیات و عواطف خاص حضرت زهرا ﷺ در هنگام خواستگاری، و روحیات معنوی ایشان در شب عروسی، دختران و زنان ما را به تأمل در معیارهای ازدواج و تشریفات عروسی وامی‌دارد که اگر الگوگیری از این بانوی بزرگ در زنان ما تقویت شود، آمار سرسام‌آور طلاق معضل امروز جامعه ما نمی‌شد. ایشان حتی در شب زفاف، نه تنها به ظواهر دنیا بی‌توجه بود، بلکه دست از عبادت و راز و نیاز برداشت. حضرت علی ﷺ در شب ازدواج، همسرش را نگران دید و علت را پرسید. حضرت زهرا ﷺ در پاسخ گفتند: در پیرامون حال و وضع خود اندیشیدم... تو را به خدا بیا در آغاز زندگی مشترک به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا پردازیم. (انصاری زنجانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۲۹۶)

انفاق گروهی و خانوادگی

میهمانی‌دادن در خانه و باز بودن در خانه برای رفت و آمد مردم از جمله مواردی بود که زهرا مرضیه ﷺ بدان اهتمام می‌ورزیدند. سوره «انسان» بیانگر روزه دسته‌جمعی و انفاق گروهی این خانواده است که سه روز روزه گرفتند و هر شب افطارشان را به مستمندان بخشیدند: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اَسِيرًا.» (انسان: ۸)

تقسیم کار

مشورت با پیامبر ﷺ در امور خانه و خانه‌داری و تقاضای ایشان از پیامبر ﷺ برای تقسیم کار، از جمله تدبیری بود که برای آرامش و نظم خانه اندیشیده بود. «تقاضی

علی و فاطمة الی رسول الله صلی الله علیه و آله فی الخدمة: ففضی علی فاطمة بخدمة ما دون الباب و قضی علی علی بما خلفه. فقالت فاطمة علیها السلام: فلا یعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفانی رسول الله صلی الله علیه و آله تحمل رقاب الرجال. (قمی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۴)؛ ... تنها خداوند می‌داند که چقدر خوشحالم از اینکه رسول خدا مرا عهده‌دار مسئولیت‌های خانه فرمود و همین برای من کافی است.

در تقسیم‌بندی که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام دادند، کارهای داخل منزل به حضرت زهرا علیها السلام و کارهای بیرون به حضرت علی علیه السلام واگذار گردید. خوشحالی حضرت از این تقسیم‌بندی و اعلام کفایت این کار برای ایشان، بیانگر این نکته است که کارهای منزل برای زنان در اولویت است و ضرورتی برای زنان نیست که در بیرون خانه به کار مشغول باشند.

زن و حضور او در اجتماع

قالت فاطمة الزهرا علیها السلام: «أدنی ما تكون من ربها أن تلزم قعر بیتها»؛ آن لحظه‌ای که زن در خانه می‌ماند (و به امور زندگی و تربیت فرزند می‌پردازد) به خدا نزدیک‌تر است. (همان)

از سخن آن بانوی بزرگ این‌گونه برداشت می‌شود: آنچه موجب رضای خداست این است که زن، خانه، همسر و فرزندان را در اولویت قرار دهد. بخصوص نقش تربیتی او که مورد بی‌مهری شدید قرار گرفته، از اهم وظایف زنان می‌باشد. گاهی دیده می‌شود بعضی جوامع به این مسئله حیاتی نگاهی تحقیرآمیز دارند و آن را برای زن نوعی ارزش قلمداد نمی‌کنند. نقش سرنوشت‌ساز زن در تربیت نسل را نادیده می‌گیرند و حضور زن در پیشبرد اقتصاد، سیاست و... را در اولویت قرار می‌دهند. همین نگرش موجب گردیده ضربات جبران‌ناپذیری به این جوامع وارد آید. البته این حدیث نشان‌دهنده رفع تکلیف از زنان برای فعالیت‌های اجتماعی است

نه منع آنان. ما حضور فعال زنان در عرصهٔ اجتماع در دوران قبل و بعد از انقلاب و فعالیت‌های چشمگیر آنان در پشت جبهه، که برگ زرینی است بر دفتر انقلاب، را شاهد بودیم. همچنین حضور بانوی بزرگ اسلام حضرت زهرا علیها السلام در پشت جبهه برای کمک به مجروحان را در تاریخ نظاره‌گریم.

خلاً حضور زن در جامعه را با حضور مردان می‌توان جبران نمود، اما هیچ جایگزینی برای فقدان زن در خانه نمی‌توان یافت. چه معضلاتی را در جامعه شاهد هستیم که ریشه در کمبود محبت دارد و مادران به بهانهٔ اینکه عضوی فعال در جامعه هستند و توانسته‌اند در عرصه‌های مختلف به هموعانشان کمک نمایند، از مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند و ضربات سهمگینی به پیکر خانواده و اجتماع وارد می‌آورند؛ غافل از اینکه این عملکرد مرضی خداوند نمی‌باشد و در قیامت نیز مورد مؤاخذة قرار خواهند گرفت.

فروپاشی خانواده‌ها غالباً ناشی از بی‌کفایتی مادران و بی‌توجهی آنان نسبت به مسائل حیاتی همسر و فرزندان بوده است، چه مردانی که ساعت‌ها خانه را خالی از همسرانشان می‌یافتند و چه فرزندان که از نبود مادران سوءاستفاده‌های جبران‌ناپذیری می‌نمودند.

اشتغال زنان

یکی از مظاهر حضور اجتماعی زنان، مسئلهٔ اشتغال آنان است که امروزه بیش از آنکه جنبهٔ اقتصادی داشته باشد، از نظر حیثیت اجتماعی مورد نظر و اقبال زنان قرار می‌گیرد. اگر اشتغال زنان مستلزم خروج از منزل باشد در صورتی که شوهر اذن ندهد، طبق نظر همهٔ فرق اسلامی غیرمجاز است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می‌فرمایند: زنی که بدون اجازهٔ شوهرش از خانه خارج شود، در زیر خشم خداست تا وقتی باز گردد، یا شوهرش راضی شود. (احمدیان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۶) در مقابل، مردان

اصولاً به این دلیل که در مقابل اقتصاد خانواده و تأمین معاش همسر و خانواده خود مسئول هستند باید به این امر پردازند و اشتغال برای آنان نه یک حق، بلکه یک وظیفه است. بنابراین، اشتغال به معنای پاسخی است برای ادای حقوق زن و فرزند برای مردان، که در همه حال، جایز و بلکه واجب است. روشن است که این مسئله جزو تمایزاتی است که کنوانسیون رفع تبعیض زنان آن را بر نمی‌تابد. (قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد)

از کنوانسیون محو تبعیض و اسناد حاشیه‌ای آن، مثل سند پکن، برمی‌آید که اشتغال زنان مهم‌ترین و بلکه تنهاترین راه حل فقر زنان و کم‌کردن وابستگی آنان به مردان و خانواده به حساب می‌آید.

آنچه دنیای غرب در حال حاضر خود را فریفته آن نشان می‌دهد «تساوی» است، غافل از آنکه مسئله تساوی را اسلام در چهارده قرن پیش حل کرده و بحث «تشابه» را مطرح نموده است. در مسائل خانوادگی که نظام خاصی دارد، چیزی بالاتر از «تساوی» وجود دارد. طبیعت در اجتماع مدنی فقط قانون تساوی را وضع کرده و گذشته، ولی در اجتماع خانوادگی جز تساوی، قوانین دیگری را نیز وضع کرده است. تساوی به تنهایی کافی نیست که روابط خانوادگی را تنظیم کند؛ سایر قوانین طبیعت را در اجتماع خانوادگی باید شناخت. (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳)

قطعاً فقر آثار ویژه‌ای بر زنان دارد. از جمله، فقر عاملی است که می‌تواند زنان را وارد چرخه آلوده و وحشت‌آور پدیده اعتیاد، روسپی‌گری و... نماید. بر این اساس، توجه به رفع نیازهای مالی زنان یک اصل مهم دینی و انسانی است.

دین مبین اسلام ضمن پذیرفتن حضور اقتصادی زنان و تأکید بر مالکیت مطلق آنها نسبت به اموال شخصی‌شان، از مردان (پدران و شوهران) خواسته که تأمین مالی آنها را به عهده گیرند و مراعات اوضاع خاص آنان را بنمایند. در واقع، دین نخواستار از نظر اقتصادی الزاماً از زن موجودی محتاج بسازد، بلکه خواسته است تأمین مخارج

زندگی او و اطرافیانش را به عهده دیگران (مردان) قرار دهد و تکلف سنگینی را از گرده زن بردارد. در نتیجه، اشتغال برای زنان یک عمل اختیاری و انتخابی است. در این بین، چون اصولی بر قوانین فردی دین حاکم است (مثل حفظ و اساس قرار دادن بنیاد خانواده)، دستورهایی در راستای اجرای این اصول صادر نموده که یکی از آنها توافق زن و مرد برای خروج از منزل است.

طبعاً در اکثر موارد، اشتغال مستلزم خروج از منزل و در مواردی، شرط اذن شوهر عاملی محدودکننده برای زنان محسوب می‌شود.

البته در عرف فعلی معمولاً در این باره توافق وجود دارد، ولی اگر موارد تعارض را نتوان با مشورت و مشاوره حل نمود، طبعاً زنانی که حفظ خانواده برایشان در اولویت است باید از این حق خود صرف نظر نمایند و احیاناً به یک اشتغال خانگی روی آورند. متأسفانه روابط و مناسبات اجتماعی فعلی آنچنان در عرف جوامع اثرگذار بوده‌اند که نه تنها زنان، بلکه مردان نیز اشتغال را برای زنان یک وظیفه به حساب می‌آورند. توقعی که در حال حاضر بین خانواده‌ها وجود دارد، مشارکت زن در امر نان‌آوری خانواده است و این امر، اشتغال زنان را از یک حرکت اختیاری به یک رفتار اجتماعی تبدیل ساخته است. حال اگر این مسئله را در کنار نیاز طبیعی فرزندان به مادر و سطح کلان مراجعات آنان به مادران قرار دهیم، انجام هر دو کار تکلیف بسیار شکننده‌ای خواهد بود. البته در دنیای غرب و تفکر زن‌مدارانه، این مسئله با قربانی کردن عواطف و کم کردن سطح روابط فرزندان با مادران حل شده و نام آن را تقسیم مسئولیت مادری گذاشته‌اند. لیکن روشن است که وجود تفاوت رفتاری بین زنان و مردان، بخصوص در رابطه با فرزندان، حقیقتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. در زمینه اشتغال زنان، برخی از این تفاوت‌ها بسیار اهمیت دارد. برای مثال، از نظر روان‌شناسان، زنان بیشتر «دیگرخواه» هستند و مردان «خودخواه»، زنان خوشی‌ها و آرزوهای خود را بر مدار هستی کسانی استوار می‌سازند که دوستشان دارند، در

حالی که مردان دیگران را برای خود می‌خواهند. این زمینه روانی باعث می‌شود که زنان وقتی شاغل هم می‌شوند سعی کنند از مسیر اشتغال خود، رفاه خانواده و بخصوص فرزندان را بیشتر تأمین سازند؛ یعنی در این زمینه منتظر تکلیف نمودن نیستند. در حالی که اتفاق یک تکلیف برای مردان است. با این وصف، نخستین کسی که از اشتغال زن متحمل زحمات بیشتری می‌شود خود زن است. (معین‌الاسلام و طیبی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷)

همکاری زن در اقتصاد خانواده و اشتغال او در بیرون از خانه با چند شرط بلامانع است:

۱. نوعی ضرورت و یا فایده عقلانی نسبت به حضور وی در شغل‌های اجتماعی باشد.
۲. انتخاب شغلی در خارج از منزل، مانع موفقیت وی در سه وظیفه اصلی او (شوهرداری، خانه‌داری و بچه‌داری) نگردد.
۳. محیط جامعه و اشتغال برای حضور یک زن، کاملاً مطمئن، مطلوب و قابل اعتماد باشد.
۴. تمامی مرزها و محدودیت‌های شرعی، اعم از حجاب و عفت را مراعات کند. (احمدی جلفائی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۵)

سری به خانه فاطمه زهرا علیها السلام می‌زنیم و نظام اقتصادی حاکم بر آن خانواده را بررسی می‌کنیم. زندگی مشترک حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام با تعاون و همکاری اقتصادی آن دو شروع شد. زره حضرت علی علیه السلام فروخته می‌شود و حداقل هزینه و لوازم مورد نیاز یک زندگی تهیه می‌گردد. زندگی آنان در خانه یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز می‌شود و با تنظیم یک جدول کاری به سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و حفظ تعهد کاری و سخت‌کوشی، به زندگی ادامه می‌دهند. کار خارج از خانه را حضرت علی علیه السلام و کارهای داخل خانه را حضرت زهرا علیها السلام به عهده می‌گیرد. در

روایات آمده که حضرت زهرا علیها السلام برای کمک به اقتصاد زندگی پشم می‌ریسید تا به هزینه زندگی کمک نماید.

در اینجا لازم است به یکی از عوامل عمده بقا، سلامت و پویایی اقتصاد خانه در زندگی اشاره کنیم، و آن عامل اخلاقی است، آن هم در حد عالی:

۱. ایثار نسبت به یکدیگر؛
۲. زهد و قناعت و ساده‌زیستی؛
۳. صبوری و قدرت تحمل بالا؛
۴. ارزشمند دانستن دیگرگرایی و انفاق به دیگران در نظر آنان؛
۵. محنت‌پذیری؛
۶. عدم تقاضای فوق توان از شوهر در همه مدت زندگی خانوادگی (تفاهم و تعاون)؛
۷. تربیت فرزندان؛
۸. استفاده از عوامل معنوی، مانند نماز و ذکر (برای بالابردن ضریب مقاومت روحی در برابر کمبودهای اقتصادی)؛
۹. رعایت برابری و مساوات با طبقات پایین جامعه؛
۱۰. اعتقاد به برکت رزق. (نیلی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۳۵)

حجاب

قال فاطمة الزهراء علیها السلام: «خير للنساء ان لا يرين الرجال و لا يراهن الرجال» (قمی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶)؛ آنچه برای زنان، نیکوست این است که (بدون ضرورت) مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز آنان را ننگرند. البته شایان ذکر است که منظور بانوی بزرگ اسلام نگاه جنسیتی به زن است نه نگاه انسانی.

قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید می‌فرماید: حجاب عبارت است از

احترام گزاردن و حرمت قایل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. از این رو، نظر کردن به زنان غیرمسلمان را بدون قصد تباهی جایز می‌داند و علت آن این است که زنان غیرمسلمان از این حرمت بی‌بهره‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۳)

اصل تستر ظاهر و دارا بودن صفت کمالی عفاف برای زن مؤمن، یکی از وظایف دینی و انسانی به‌شمار می‌رود که زنان مسلمان برای حفظ تقوا و کسب رضایت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابراز بندگی خدا و از طرفی، برای حفظ امنیت اخلاقی اجتماع باید ملتزم به آن باشند. (نیلی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹)

حال اگر کسی از تشخیص اصول ارزشی عاجز باشد، ممکن است حجاب را یک بند بداند، و حال آنکه قرآن کریم وقتی مسئله لزوم حجاب را بازگو می‌کند، علت و فلسفه حجاب را چنین بیان می‌فرماید: «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذِنَ» (احزاب: ۵۹)؛ یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن این موضوع نزدیک است که اهل عفت و حجاب و صلاح و سداد می‌باشد. در نتیجه، وقتی به این عنوان معروف شوند، دیگر مورد اذیت واقع نمی‌گردند؛ یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌شوند. (طباطبایی، [بی‌تا]، ص ۵۱۰) این مسئله برای این است که شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند؛ چراکه آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۴۳۸)

از دیدگاه اسلام، فعال بودن زنان در عرصه سیاست و اجتماع امری معقول است و با ارائه چارچوب و ضوابط، این حضور در عین تحکیم نقش منطقی و مثبت زنان در جامعه، بخصوص در مسئولیت‌پذیری‌های جمعی، از اهمیت نقش‌های دیگری که کسی غیر از زنان نمی‌تواند آنها را به خوبی ایفا کند نیز غافل نبوده است، حال آنکه امروزه متأسفانه، در بیشتر موارد، ضرورت‌های حرفه‌ای حالت غالب به خود می‌گیرد و تعهدات مادری و همسری به دست اهمال سپرده می‌شود. حضور حضرت زهرا علیها السلام

در مسجد مدینه و خواندن خطبه در دفاع از ولایت و همچنین در پشت جبهه برای درمان بیماران، مهر تأییدی است بر چنین حضوری.

عدم توجه به اصول و ضوابط و چارچوب اصلی این حضور ضابطه‌مند باعث شده علی‌رغم تمام تلاش‌ها برای مساوات، زنان در بیماری‌های قلبی، جرایم، و دخانیات هم فاصله خود را با مردان کم کرده و بخواهند در این سطح هم به مساوات برسند! بسی مایهٔ تعجب و تأسف است که در نگرش‌های جامعه‌شناختی فمینیستی، تلاش می‌شود توجیه مناسبی برای میزان کمتر جرایم زنان پیدا نمایند. آنان معتقدند: اگر زنان کمتر از مردان مرتکب جرایم اجتماعی می‌شوند، به این خاطر است که دختران در فرایند اجتماعی‌شدن خود، بیش از پسران خویشتن‌داری را می‌آموزند. آموزش رفتارهای خاص زنانه، امری است که بعدها ارتکاب جرم، بخصوص رفتارهای خشونت‌آمیز را برای دختران و زنان مشکل و بعید می‌سازد. طبیعی است که اگر آموزش از جنسیت فارغ گردد، تفاوت مزبور نیز رفع خواهد شد. (فربا‌علاسوند و انصاری، ۱۳۸۳، ص ۷۸)

شیوه‌های تربیتی فاطمه علیها السلام

خانۀ حضرت زهرا علیها السلام یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های انسان‌سازی است که با رعایت و ملاحظهٔ همه جنبه‌های تربیتی، بالاترین و موفق‌ترین چهره‌های انسانی را تربیت نموده و به جامعهٔ بشریت ارائه داده است. تحمل بالای فرزندداری و تربیت صحیح آنان، شیر دادن به فرزندان، تهیه لوازم بچه‌داری (گهواره)، رسیدن به انواع موقعیت‌های خانوادگی، و سرودن شعر برای فرزندان و حتی پدر و شوهر، از مواردی بود که ایشان بدان اهتمام می‌ورزید و همچنان رویکرد توحیدی بر این حوزه از زندگی ایشان سایه افکنده بود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از خبر شهادت امام حسین علیه السلام او را آگاه کرد، کلمه استرجاع را خواند و گریست و فرمود: «سلمت و رضیت و توکلت علی الله.» (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵)

۱. **بازی با فرزندان:** یکی از نیازهای طبیعی کودکان بازی کردن و بازی دادن آنهاست. این لحظه از لحظه‌های بسیار شیرین برای کودکان است. بازی در این دوران به منزله واکنش کودک در برابر عوامل محیطی و بروز استعدادهاى نهفته اوست و همچنین در پرورش نیروی ابداع و ابتکار کودک بی‌نهایت مؤثر است. حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خود را به بازی و مسابقه تشویق می‌کرد و گاهی با آنان به بازی مشغول می‌شد و با حرکت‌ها و گفتارهای شیرین مادرانه و بالا و پایین انداختن فرزندان، از احساسات پاک مادری سیراب می‌نمود. علی‌رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی‌فرهنگ و دور از تمدن بود، اما برنامه و شیوه‌های ارائه‌شده از طرف اولیای دین متمدن‌ترین رفتار بود.

۲. **آموزش هنگام بازی:** بانوی بزرگ اسلام هنگام بازی با کودکانش آداب زندگی و روحیه تعبد را زنده می‌کرد و در قالب شعر آن را مطرح می‌نمود. برای امام حسن علیه السلام این شعر را می‌خواند:

اشبه اباک یا حسن واخلع عن الحق الرسن واعبد الہا ذالمنن و لاتوال ذالاحن
ترجمه: پسر من حسن! مانند پدرت باش، ریسمان ظلم را از حق بر کن، خدایی را
بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هیچ‌گاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی
مکن. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۸۶)

و هنگام بازی با امام حسین علیه السلام می‌فرمود: «انت شبیه بابی لست شبیہا بعلی»؛ تو به پدرم پیامبر شبیهی و به پدرت علی شباہت نداری. این بیت موجب خنده و تبسم حضرت علی علیه السلام می‌شد. (همان)

از این قطعات تاریخی می‌توان استفاده نمود که علی‌رغم تمام مشکلات و گرفتاری‌های موجود، در برخورد با کودکان خود را خوشحال و خندان نشان می‌دادند. این لازمه جوانمردی است که انسان گرفتاری‌های خارج از خانه را با خود به خانه نیاورد. بدون تردید، فرزندان که محصول تربیت چنین خانواده‌هایی هستند از روانی سالم، روحیه‌ای قوی و نفسی مطمئن برخوردار خواهند بود.

۳. ایجاد روحیه جهادی و دشمن‌ستیزی در فرزندان: نمونه آن، تربیت جنگاوران و مجاهدانی همچون امام حسن و امام حسین و زینب کبری علیها السلام است.
۴. ایجاد روحیه انفاق و بخشش گروهی و خانوادگی در فرزندان: نمونه بارز آن، انفاق قرص‌های نان همه اعضا خانواده به یتیم، اسیر و مسکین است که نقل قصه آن در سوره «انسان» به تفصیل آمده است.
۵. سفارش به امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حفاظت از فرزندان، «قالت فاطمة علیها السلام: اوصیک فی ولدی خیراً» (دستی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰)؛ درباره فرزندانم سفارش به نیکوکاری دارم.
۶. تعلیم مردم‌دوستی، رعایت حقوق همسایگان و دیگرگرایی به فرزندان خود حتی در مقام مناجات و دعا: امام حسن علیه السلام می‌فرماید: شبی مادرم تا اذان صبح در حال دعا بود و مدام در مورد همسایگان دعا نمود و چون از علت آن سؤال کردم فرمود: «یا بنی الجار ثم الدار»؛ ای پسر، اول همسایگان بعد اهل خانه. (همان، ج ۷۷، ص ۱۴۹)
۷. رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان و دقت‌دادن به اصل عدالت در قضاوت: روزی حضرت زهرا علیها السلام در مقام قضاوت مسابقه خطاطی امام حسن و امام حسین علیهما السلام قرار گرفته بود. آنان اصرار داشتند که مادر بهترین خط را انتخاب نماید. حضرت با خود می‌گفت: من چه می‌توانم بکنم و چگونه میان دو کودکم داوری کنم؟ سرانجام به فکرش رسید قضاوت نهایی را به تلاش خودشان مربوط سازد. فرمود: «یا قرتی عینی انی اقطع فلادتی علی راسکما وانشر بینکما جواهر هذه القلاده فمن اخذ منها اکثر فخطه احسن و تکون قوته اکثر»؛ ای نور دیدگانم! من دانه‌های این گردنبند را با پاره کردن رشته آن بر سر شما می‌ریزم و میان شما دانه‌های گردنبند را پخش می‌نمایم، هر کدام از شما دانه‌های بیشتری بگیرد، خط او بهتر است.
۸. مانوس‌نمودن فرزندان با مسجد و نماز و دقت در گفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تشویق، تمرین و تربیت عبادی و دینی فرزندان: یکی از محورهایی که حضرت زهرا علیها السلام بدان توجه و تأکید داشتند، بعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکلیف عبادی و الهی

بود. تقویت حس پرستش یکی از گرایش‌های فطری انسان است، این گرایش خارج از وجود انسان نیست، بلکه در عمق جان و ضمیر او ریشه دارد و اگر جز این بود، اساساً ایمان و خداپرستی تحقق نمی‌یافت. بنابراین، مریبان الهی خداپرستی را القا نکردند، بلکه با شیوه‌های نظری و عملی به پرورش این نهال فطری پرداختند. بهترین زمان برای پرورش این حس دوران کودکی می‌باشد. (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۰، ص ۸۹)

آن حضرت شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت نمود و آنان را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خداوند بدانند و از آن بالاترین لذت‌ها را ببرند. دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله بر این مطلب تأکید داشتند که باید بچه‌ها را از کودکی به انجام تکالیف فرا خواند و آنان را به خدا پیوند داد و بذر محبت و ارتباط با معبود را در کام آنان بیفشاند تا انجام تکلیف برای آنان نه تنها رنج و مشقتی نداشته باشد، بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند.

۹. بوسیدن و ملاطفت کودکان: همچنان که ارضای غریز، منشأ احساس لذت برای انسان است، ارضای عواطف انسانی نیز با خود لذتی به همراه دارد، اما لذتی که از این راه حاصل می‌شود با آنچه در مورد غریز وجود دارد، در نوع خود متفاوت است. محبت به عنوان یک نیاز اصیل روحی، در زندگی انسان و تأمین سلامت روحی و روانی او نقش بسزایی دارد و به آن حلاوت خاصی می‌دهد. (سادات، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸)

عاطفه انجذابی است نفسانی که یک انسان نسبت به انسانی دیگر در خود احساس می‌کند و می‌توان آن را به رابطه بین آهن و آهن ربا تشبیه نمود. عواطف طبیعی یکی از اقسام عاطفه است که مصداق روشن آن، روابط خانوادگی، و قوی‌تر از آن رابطه مادر و فرزندی و پدر و فرزندی است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۹)

یکی از مظاهر ابراز عواطف و یکی از بهترین راه‌های ایجاد ارتباط عاطفی، بوسیدن فرد مورد علاقه است که می‌تواند دربردارنده چند گونه پیام باشد و از حسنات و

اعمال عبادی به حساب می‌آید. بوسه‌های مکرر پیامبر ﷺ بر دست و بازو و سینه زهرا علیها السلام را می‌توان مظهري از این ابراز ارادت و تبادل محبت و عواطف دانست و نیز بوسه‌های مکرر فاطمه زهرا علیها السلام بر فرزندان خود و تأکید قوی و عملی بر این رفتار، بیانگر لزوم ابراز عواطف و ایجاد ارتباط عاطفی با نزدیکان از طریق بوسیدن و بوییدن می‌باشد. (نیلی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰-۱۸۲)

اصولاً به زبان آوردن مهر، مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه تأثیرگذاری مربی و متربی است. مربی با بیان محبت خویش نسبت به متربی، او را دلبسته خویش می‌گرداند. این دلبستگی، بسیار قدرتمند و کارساز است و می‌توان با تکیه بر آن، فرد را آماده و بلکه طالب به‌دوش گرفتن تکالیف ساخت. (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۱)

از این‌رو، در توصیه‌های اسلامی، بر به زبان آوردن مهر تأکید شده است. به‌گونه‌ای که در کتب روایی، بابی تحت عنوان «آگاهانیدن دوستان از محبت به آنها» (اخبار الرجل اخاه بحبه) وارد شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اذا احببت رجلاً فاخبره بذلک فانه اثبت للمودة بینکما»؛ هرگاه محبت کسی در دل داشتی، او را از این محبت باخبر کن، که این آگاهی، دوستی و مودت شما را استوارتر خواهد کرد. (کلینی، [بی‌تا]، باب اخبار الرجل اخاه بحبه، ص ۴۵۸)

بر اساس تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی و روان‌کاوان دربارهٔ کودکان از جوامع مختلف، کمبود یا عدم محبت عواقب خطرناکی را برای فرد و جامعه به بار می‌آورد. اطفالی که در دورهٔ کودکی محبت نبینند، در بزرگی خشن، ناهموار و عقده‌ای می‌شوند. همچنین به بیماری‌های جسمی و بیماری‌های روانی همچون بدبینی، پرتوقعی، یأس، زودرنجی، و نارضایتی مبتلا می‌گردند و منشأ بسیاری از شرارت‌ها و جنایت‌های کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان می‌شوند. (قائمی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۸)

مشمولان شفاعت حضرت فاطمه علیها السلام

به عنوان حسن ختام، به حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که به بیان یکی از ضوابط تأثیرگذار در روابط خانواده پرداخته است اشاره می‌نماییم و آن اینکه یکی از ملاک‌های شفاعت حضرت زهرا علیها السلام اطاعت زن از شوهر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه فرمودند: هر زنی که نمازهای واجب را ادا کند و روزهٔ رمضان را بگیرد و در صورت استطاعت به حج برود و زکات مالش را پردازد و اطاعت شوهرش را بکند و علی را پس از من ولیّ خویش بداند، به شفاعت دخترم به بهشت می‌رود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۵۸)

همچنین مولا علی علیه السلام فرمودند: بهترین زنان پنج نفرند: آسان‌گیر، نرم‌خو، آماده به خدمت که چون شوهرش به او خشمگین شود تا او را از خودش راضی نسازد آسایش نداشته باشد، و زنی که در غیاب شوهر حیثیت و آبرو و خانه و شرف او را نگه دارد. (همان، ج ۸، ص ۵۸) باید توجه داشت که خانواده در اسلام دارای جایگاه خاصی است و استحکام خانواده مرهون ضوابطی است که بر خانواده حاکم است؛ از جمله: تقسیم کار، شرح وظایف، رعایت جایگاه‌ها، و ارتباطات اعضای خانواده. دلیل تأکید حضرت زهرا علیها السلام دربارهٔ اطاعت زن از شوهر، اهمیت دادن به کانون خانواده است.

البته باید توجه داشت که اطاعت زن از شوهر نباید مستمسکی برای سوءاستفادهٔ مردان قرار گیرد و آن را نشانهٔ فقر معنوی زن بدانند، بلکه همان‌گونه که در ادارات، وزارتخانه‌ها و... این نوع مدیریت لازمهٔ یک مسئولیت اجرایی است، در خانواده نیز چنین است.

نتیجه

با توجه به جایگاه حساس و بنیادی خانواده، ابتدا زوجین باید به اهداف ازدواج توجه داشته باشند و برنامه‌های خود را برای رسیدن به آن اهداف تنظیم نمایند. حضرت زهرا علیها السلام به نقش محوری زن اشاره دارد؛ مدیریت داخلی خانه، اعم از همسررداری،

تربیت فرزندان، و کارهای خانه را به عهده زن می‌گذارد. به همین دلیل، از تقسیم کار توسط پیامبر ﷺ راضی و خوشحال می‌شود.

از دیدگاه بانوی دو عالم، حضور زن در اجتماع با اولویت دادن او به خانه و فرزندان، آن هم با پوشش مناسب بلامانع است و حجاب خود راه‌کاری است برای حضور مناسب او در جامعه. علاوه بر آن، حجاب وسیله‌ای است برای تحکیم نظام خانواده و راهی برای کنترل حس تبرج در زن.

تدبیر زن در خانه و مهارت حفظ آن، از ارکان بقای خانواده می‌باشد. از این‌رو، قناعت، تحمل سختی‌ها، شکایت نکردن و فوق‌توان مرد انتظار نداشتن از ویژگی‌های بارز حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد.

ویژگی‌های جنسیتی زن و مرد باعث تفاوت‌هایی در آن دو شده است که حضورشان را در اجتماع بزرگ و مسئولیتشان را در جامعه کوچک (خانواده) متفاوت نموده و نقش‌هایی متناسب با آن تمایزات، به آنها واگذار شده است. البته این مسئله باعث بروز شبهاتی شده است که نتیجه کج‌فهمی می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ۱. احمدیان، ابراهیم (ترجمه)؛ **نهج الفصاحه**؛ ج ۴، قم: گلستان ادب، ۱۳۸۶ ش.
- ۲. اربلی (محدث)، علی بن عیسی؛ **کشف الغمه**؛ تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
- ۳. انصاری زنجانی، اسماعیل؛ **الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء**؛ قم: نشر قم، ۱۴۲۸ ق.
- ۴. باقری، خسرو؛ **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**؛ تهران: مدرسه، ۱۳۸۸ ش.
- ۵. بهزادپور، سیمیندخت؛ **نقش حجاب در توسعه**؛ تهران: زعیم، [بی‌تا].
- ۶. احمدی جلفایی، حمید؛ **صحیفه فاطمیه**؛ ج ۸، قم: آستانه مقدسه، زائر، ۱۳۸۶ ش.
- ۷. جوادی آملی، عبدالله؛ **زن در آیینه جمال و جلال**؛ ج ۵، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ ش.
- ۸. حر عاملی، محمد بن حسین؛ **وسائل الشیعه**؛ قم: الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
- ۹. دشتی، محمد، **نهج‌الحیة**؛ فرهنگ سخنان حضرت فاطمه؛ قم: امیرالمؤمنین، ۱۳۸۴.
- ۱۰. رضایی، موسی؛ **خانواده و نگرشی نو به تعلیم و تربیت فرزندان**؛ ج ۳، تهران: دانش‌پرو، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۱. رهبر، محمدتقی و محمدحسن رحیمیان؛ **اخلاق و تربیت اسلامی**؛ ج ۷، تهران: سمت، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۲. سادات، محمدعلی؛ **اخلاق اسلامی**؛ ج ۳۰، تهران: سمت، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۳. شیخ الاسلامی، حسین؛ **مسند فاطمه زهرا**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، [بی‌تا].
- ۱۴. شیخ بهایی، محمدبن حسین؛ **مفتاح الفلاح**؛ قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۵. طباطبایی، محمدحسین؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، [بی‌تا].
- ۱۶. علاسوند، فریبا و حمیده انصاری؛ **نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان**؛ ج ۲، قم: حوزه (مرکز مدیریت)، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۷. فیروزآبادی، سیدمرتضی؛ **فضائل الخمسة من الصحاح الستة**؛ [بی‌جا]، نشر الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۸. قائمی، علی؛ **خانواده و تربیت کودکان**؛ تهران: برآبادی، ۱۳۵۵ ش.
- ۱۹. **قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰**، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوبه ۱۹۷۹/۲۷ آذر ۱۳۷۸.
- ۲۰. قمی، عباس؛ **منتهی الامال**؛ ج ۱۰، قم: هجرت، ۱۳۷۶ ش.

۲۱. قیومی، محمدجواد؛ **صحیفه الزهراء**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ **اصول کافی**؛ ترجمه سیدجواد مصطفوی؛ قم: علمیه اسلامیة، [بی تا].
۲۳. کوفی، فرات بن کوفی؛ **تفسیر فرات الکوفی**؛ تهران: وزارت الثقافة و الارشاد الاسلامی، مؤسسه الطباعة و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الانوار**؛ بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. مصباح، محمدتقی؛ **اخلاق در قرآن**؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. زمانی، مصطفی (ترجمه)؛ **نهج البلاغه**؛ ج ۳، قم: نبوی، ۱۳۷۳ ش.
۲۷. مطهری، مرتضی؛ **نظام حقوق زن در اسلام**؛ ج ۳۱، تهران: صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. معین الاسلام، مریم و ناهید طیبی؛ **روان‌شناسی زن در نهج البلاغه**؛ ج ۳، قم: بهشت بینش، ۱۳۸۳ ش.
۲۹. نیلی پور، مهدی؛ **فرهنگ فاطمیه (الفبای شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام)**؛ ج ۵، اصفهان، مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۵ ش.